

بمناسبت، بهت پیغمبر اکرم (ص)
ومیلاد مسعود امیر مؤمنان (ع)

هریبی و نمونه قریت

آفتاب جهان تابی از سر زمین مکه طلوع کرد، آفتابیکه باطلعت خود تاریکیهای سهمگین را برای همیشه محو و نابود ساخت، آفتابیکه اشعه‌جا نبخشش دلها را روشن و جهان بشریت را حیات ابدی بخشید. ستاره‌ای هم از خانه کعبه بدرخشید آری «ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد» ماهی که جلوه‌های نورانی آفتاب را منعکس و مجسم ساخت، ماهیکه نورش بهمه جهان پرتو افکند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پیغمبر معظم اسلام ﷺ در سال پانصد و هفتاد میلادی متولد و در چهل سالگی در بیست و هفتم ماه رجب، هنگامیکه اوضاع جهان مضطرب، رشته وحدت گسیخته آتش فتنه و قتل و غارت در همه جا مشتعل، آثار شوم اخلاق پست و اعمال ناروا سراسر پیکر اجتماع را فرا گرفته بود در چنان موقع تاریک و در آن جهان فتنه زا و مرگبار خداوندیکه از گریبان تاریک افق خورشید درخشان را پدید می‌آورد، پیغمبر اسلام را مبعوث کرد، یعنی مأمور گردید که جامعه بشریت را بدین مقدس اسلام دعوت کند در نتیجه انجام همین مأموریت اوضاع جهان تغییر کرد، معبودهای باطل از میان رفت و توحید خالص که ریشه همه فضیلت‌هاست بوجود آمد، نفاقها و اختلاف‌ها رخت بر بست و اتحاد و برادری پدید آمد و بالاخره بنیان عالیترین درجات سعادت و کمال

لهربى و نمونه تر بیت

بشرى پایه گذارى شد کتاب و شریعتى که یگانه ضامن سعادت اجتماع است در دسترس قرار گرفت .

امیر مؤمنان علی (ع) ده سال پیش از بعثت پیغمبر ﷺ در روز جمعه سیزدهم رجب در خانه خدام تولد شد .

عربها در سال چهار ماه را محترم می شمردند و ماههای حرام مینامیدند؛ که در آن ماهها جنگ نمی کردند ، و باعمال حج و تشکیل مجامع ادبی و بازرگانی میپرداختند ، و چهار ماه عبارت بود از ذوالقعدة و ذوالحجه و محرم و رجب ، فاطمه دختر اسد مادر علی (ع) با آنکه بارداشت در ماه رجب بانجام فرائض حج مشغول شده بود ، دور کعبه طواف می کرد که آثار ولادت فرزند را در خود احساس کرد ، وارد خانه کعبه شد ، و فرزندش علی (ع) در آغوش خانه کعبه بدنیا آمد .

آرى تقدیر الهی چنین بوده شخصیت بزرگی مانند ابراهیم عليه السلام بفرمان خدا و راهنمایی جبرئیل و کمک فرزندش اسمعیل عليه السلام این خانه مقدس را که کنگره توحید بود بسازد و بپردازد ، و سالیان در از مطاف و عبادتگاه خدا شناسان باشد ، و احترامات روز افزونش همیشه محفوظ ، حتی ابرهه فرمانروای یمن با ارتش مسلح و پیلهای سنگی که بقصد تخریب این خانه آمده بود ، شکست خورده و نابود شود و بالاخره نوزادی مانند علی عليه السلام در این حریم محترم پابصره وجود بگذارد ، از چنین مهمانی پذیرائی و مهمان نوازی بعمل آید ، و خانه زاد خدا گردد پیش از او کسی باین افتخار دست نیافته بود و پس از وی هم این فضیلت نصیب هیچکس نگردید .

چون خبر ولادتش را به پیغمبر (ص) دادند فرمود : « خداوند بپرکت این مولود درهای بسیاری از نعمت و رحمت را بروی ما خواهد گشود ، همینکه او را دید و آن مولود چشمان درخشانش را بچهره پیغمبر عليه السلام باز کرد فرمود : « این سال خیر و برکت است » (۱) .

✽ ✽ ✽

مقام شامخ نبوت و منصب عالی امامت که هر دو عالیترین مقام انسانی است؛ مقامی الهی و موهبتی است آسمانی که اولی برای تأسیس دین و دومی برای نگهداری آن میباشد و با سعی و کوشش بدست نمی آید بلکه خدو ندهی که خواهد عطا میکند ولی علم و حکمت او اقتضا میکند که این دو مقام شامخ را بکسی که دارای قابلیت و استعداد این منصب خطیر باشد؛ عطا کند؛ محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را خداوند برای این دو منصب برگزید: محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را برای پیمبری کاملترین ادیان الهی انتخاب و آن شخصیت بی نظیر را آفتاب عالمتاب هدایت گردانید، که تاقیامت جهان بشریت در سایه تعلیماتش بفضیلت و سعادت نائل کرده، و برای انجام این مقصود بزرگ وزیری مانند علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ لازم بود؛ که در آغوش پیمبر تربیت شود، و این هدف عالی را تعقیب کند، طبق همین حکمت اساسی علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ از همان خرد سالی هر دامن تربیت پیغمبر (ص) بزرگ شد، و این موضوع باین طرز صورت گرفت:

فقط سالی سراسر مکه را فرا گرفته بود و ابوطالب فرزندلن متعدد داشت پیغمبر (ص) بعموهایش حمزه و عباس فرمود: «شایسته است که هر یک از مایکی از فرزندان ابوطالب را نزد خود آورده کفالت کنیم تا از بار مخارجش کاسته شود» پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را، عباس طالب را و حمزه جعفر را برد پیغمبر فرمود: «من آنکس را برگزیدم که خداوند او را برای من برگزید» (۱) علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در آن وقت شش سال بیشتر نداشت و از این تاریخ از خانه پدر بیرون آمد، و در خانه پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در پر تو تربیت وی قرار گرفت، و با آموزش و پرورش وی بزرگ شد؛ نخستین بار که دل علی محبت را شناخت به پسر عمش محمد (ص) مهرورزید، و اولین بار که کوشش بگفتار آشنا شد سخنان دلپذیر ویراشنید. چنانکه علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در این باره فرمود: «شما موقعیت مرا نسبت بر رسول خدا میدانید که از خویشان نزدیک او بودم و منزلت مخصوصی داشتم مرا هنگام کودکی در دامن خود میگذاشت و بسینه خود می چسبانید و در بستر خویش میخوابانید. از روزی که پیغمبر از شیر گرفته شد، خدایکی از بندگترین فرشتگانش را

بر او گماشت که وی را براههای نیک و فضائل اخلاقی در شب و روز هدایت میکرد
 من هم با او بودم و همچون طفلی که از پی مادر رود. او را پیروی میکردم ، هر روز درسی
 از اخلاق خویش بمن میآموخت ، و مرادستور میداد که بدو اقتدا کنم ؛ و هر سال بکوه
 حرا میرفت ، و در آن جای میگرفت و آن فرشته را بمن نشان میداد ، و جز من کسی
 دیگر او را نمیدید ، و در آن روز در اسلام تنها يك خانه بود که پیغمبر ﷺ و خدیجه
 و مرا در بر میگرفت ، نوروحی و رسالت را میدیدم و بوی نبوت را استشمام میکردم ،
 (نهج البلاغه خطبه قاصعه) .



البته این ارتباط و الفت نتیجه تناسب مستقیمی است که میان آن دو روح بزرگ
 برقرار بود . دانشمند معروف تسنن « ابن ابی الحدید » میگوید : « فضل بن عباس
 گفت از پدرم پرسیدم محمد ﷺ کدام يك از فرزندانش را بیشتر دوست میدارد ، گفت
 علی (ع) را گفتم من از فرزندان او می پرسم ، گفت ندیدم پدری را مهربانتر از محمد ﷺ
 بعلی عليه السلام و ندیدم پسریرا فرمانبردارتر از علی (ع) نسبت بمحمد (ص) » (۱)
 روی همین ارتباط پیغمبر ﷺ او را برادر و یاور و گاهی جان خویش میخواند
 ولی علی علیه السلام می گفت : « من بنده ای از بندگان محمد (ص) » ؛
 یکی از بزرگان میگوید : « برای حقانیت اسلام همین دلیل کافی است که مانند
 علی (ع) در آن مکتب تربیت یافته است » .

« ابراهیم واعظ » بغدادی که یکی از علماء اهل سنت است کتابی نوشته بنام
 « خریجوا مدرسة محمد » یعنی « فارغ التحصیل های مکتب پیغمبر اسلام » در آن
 کتاب اول شرح حال علی (ع) را نوشته ، و او را مرد حق و فداکاری نامیده ، آنگاه
 مینویسد علی (ع) در خدمت پیغمبر (ص) پرورش یافت ، و از علم او آموخت و با آداب
 و بی بار آمد تا نسخه ای مطابق اصل شد ؛

ابن ابی الحدید در شرح نامہ سی و پنجم از نامہ های نہج البلاغہ پس از آنکہ بشرحی در بارہ فصاحت و بلاغت امیر مؤمنان علیہ السلام میپردازد میگوید : « بزرگ است پروردگاری کہ جهانی از حکمت و فضیلت را ، در وجود مردی جا داده است ! پسری از فرزندان عرب مکہ در میان مردم آن عصر بزرگ شدہ با حکماء معاشرت نمودہ مع الوصف بدقایق علوم الہی و حکمت از افلاطون و ارسطو گوی سبقت رارہودہ است و با اینکہ با دانشمندان علم اخلاق انس و ارتباط حاصل نکرده ، سقراط باید در مکتب او زانوی تعلیم بزمین زند و درس بخواند ! با وجودیکہ میان شجاعان پرورش نیافتہ زیر اہل مکہ دارای شغل تجارت بودند و در جنگ نبودند ، با شہامت ترین و شجاعترین مردم روی زمین است ! با اینکہ قبیلہ قریش فصیح ترین عرب نبودند بلکہ قبیلہ «جرہم» فصیحتر بود علی علیہ السلام فصیح تر از سبحان است (سبحان از فصحا معروف عرب است) علی (ع) زاہدترین مردم است ، با اینکہ قریش حریص بردنیا بودند ! سپس میگوید : «تعجبی ندارد کسیکہ محمد (ص) مرئی وی باشد و عنایت و لطف پروردگار اورا امداد کند البتہ دارای چنین مقامی خواهد گشت .»

پیغمبر عالیقدر رمز اساسی این مطلب را در ضمن عبارت کوتاهی چنین فرمود :
 «انا ادیب اللہ و علی ادیبی» (۱) یعنی «من تربیت شدہ خدایم و علی علیہ السلام تربیت شدہ من است .»